

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (محبوب‌علیه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

چند بار گفتم، از همه خواهش کردم اینجا که می‌آیید فقط منتظر جواب آن نامه‌ای که نوشته‌اید، نباشید. اینجا می‌آیید همه‌ی حرف را گوش بدهید، جواب آن نامه‌ای که بعداً ممکن است بنویسید در این هست، گفته می‌شود، یا به نامه‌های گذشته.

اگر یادتان باشد به مناسبتی از خصوصیات یکی از دراویش بزرگوار و دانشمند مهندس، مهندس عبدالرزاق خان بُغایری صحبت کردم من هنوز خیلی جوان و بچه بودم و چندان آن جنبه‌های معنوی آن را درک نمی‌کردم. شب‌های یک‌شنبه مجلس منزل او بود، نماز منزل او بود. از دانشمندانی بود که خیلی شهرت داشت، شخصیت داشت. ایشان می‌گفت و معتقد بود که گوشت خیلی کم باید خورد. یک طیب دیگری هم داشتیم از هندوستان، از فقرا که تقریباً به همین طریق معتقد بود. می‌گفت گوشت نمی‌خورد، فقط می‌گفت چون من شنیدم (نمی‌دانم از که گفت) که حضرت علی فرمودند: یکی از غذاهای ما گوشت است. بشر را خدا آفریده، این حیوانات را که گفته گوشت‌شان حلال است، معلوم می‌شود آن‌های دیگر هم که حرام است، مسأله‌ی خوراک این گوشت شاید مورد نظر بوده. بنابراین گوشت باید خورد. از علی علیه السلام هم رسیده است که دستور فرمود: هر چهل روز، حتماً گوشت بخورید. حالا البته دستمان نمی‌رسد به علی علیه السلام که بگوییم یا علی! خیلی از ماها می‌خواهیم همین کار را بکنیم اما خیلی‌ها هستند که اصلاً گوشت نمی‌بینند. زندگی را یک طوری کردند که حالا از این بگذریم. برای اینکه هر جا حرف می‌زنیم یک گوشه‌ای به سیاست باز می‌شود، بیخود نیست که اینها می‌گویند چرا در سیاست دخالت می‌کنید؟ حالا به هر جهت ایشان چهل روز یک بار می‌گفت غذای ظهرش آبگوشت باشد. آبگوشت درست می‌کرد، می‌خورد، می‌گفت فقط برای این است که اگر آن حدیث، آن حرف صحیح باشد، من خدای نکرده مورد غضب علی علیه السلام نباشم.

حالا کسی که می‌پرسد که گوشت بخورم خوب است یا بد است؟ من که طیب نیستم، زیست‌شناس هم نیستم ولی این فرمایش یک مرد بزرگ دانشمند است. هم دانشمند دنیایی، هم دانشمند اخروی. این را برای شما تعریف کردم، همین را همان وقتی که تعریف کردم، اگر همه‌تان خوب گوش می‌دادید می‌گفتید هیچ حرفش را بی‌جا نگفتم، همینطوری الکی نگفتم، دیگر این سؤال

برای تان نبود. این فایده‌اش است.

من غیر از این گفته‌ی ایشان که خدمت حضرت صالح علی‌شاه گفته بود البتّه از درویش‌های زمان آقای سلطان علی‌شاه بود، حضرت صالح علی‌شاه هم نظر عرفانی ممکن بود بدهند و هم نظر طبّی برای اینکه از مسائل بدنی و مسائل فیزیولوژی و این حرف‌ها از همین لوژی‌ها درس خوانده بودند، بلد بودند. ایشان می‌فرمودند همین که خداوند در دهان ما سی و دو دندان آفریده، از این سی و دو دندان چهار تا دندانش دندان گوشتخوری است. دندانی است که حیوانات گوشتخور دارند بنابراین یک هشتم دندان‌های ما دندان گوشتخوری است، یک هشتم غذاهای مان هم باید گوشتی باشد ولی هفت هشتم آن، گیاهی باشد.

در مورد عفو گناهان و خطاها یا گذشت از دیگری؛ خداوند فرمود: سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي، رحمت من بر غضب من پیشی می‌گیرد. «پیشی می‌گیرد» یعنی یا اوّل می‌آید یا اینکه قوی‌تر است یعنی قوی‌ترین، محکم‌ترین گناهان را خداوند در مواردی که فرموده است یعنی طرف توبه کند، توبه‌ی واقعی یعنی از ته دل یعنی توبه‌ای که موجودیتش را، هویتش را عوض می‌کند، در این صورت خداوند می‌بخشد. وقتی خداوند این روش را دارد می‌بخشد، پیغمبر هم قطعاً این روش را دارد. برای مثال رفتار حضرت با وحشی است. وحشی، غلام زن ابوسفیان یعنی مادر معاویه بود، غلام خیلی قوی هیکل و خیلی نیرومند و تیرانداز ماهری هم بود. از فاصله‌ی خیلی دور می‌توانست یک نیزه پرت کند، کسی را بکشد ولی از فنون جنگی دیگر معلوم نیست، اطلاع داشت؟ بلد بود یا نه؟ ابوسفیان پدر معاویه و معاویه سرکرده‌ی مشرکین در جنگ بودند. سرلشکر و سرکرده‌ی جنگی مسلمین هم تا حضرت حمزه رضی الله عنه حیات داشت، ایشان بودند. هر چه کردند نتوانستند پیروز بشوند. در یک جنگی همین جنگ اُحد بود، هنده زن ابوسفیان چون پدرش و برادرش و دو، سه نفر از همین قوم و خویش‌های نزدیکش به دست حضرت حمزه کشته شدند، هلاک شدند. خیلی از پیغمبر عصبانی بود و کینه داشت. البتّه آنجا هیچکس هم حاضر نبود در مقام جنگ نامردی کند و این نامردی اینقدر مهم بود که اگر به کسی پیشنهاد می‌کردند، عصبانی می‌شد که من را مسخره می‌کنید؟! هنده با غلام خودش همین وحش، گفت: اگر تو که اینقدر بلدی از پشت سر کمین کنی و حمزه را بتوانی بکشی وقتی که خودش نمی‌فهمد تیراندازی کنی و حمزه را بکشی که دل من خنک بشود، من تو را آزاد می‌کنم. به این حساب وحشی حضرت حمزه را هلاک کرد. حضرت حمزه در واقع اوّلین شهید، اوّلین یعنی مهم‌ترین شهید اسلام بودند که سیدالشهداء لقب ایشان بود که بعد از رحلت ایشان سیدالشهداء حضرت امام حسین بودند.

اینها دو نفر یکی هنده و یکی وحشی، در کشتن ناجوانمردانه و ناروای حضرت حمزه علیه السلام گناه داشتند. وحش گناهکار مستقیم بود و بیشتر مورد غضب و مورد ناراحتی پیغمبر بود. بطوری که همه ی مسلمین هم می دانستند، وحش بعد از آن کارش دیگر متواری شد، از او خبری نبود، کجاست و چطوری است. از مسلمین می ترسید. چون ناجوانمردانه فرماندهی لشکر را کشته بود. پیغمبر هم در مدینه روزها نشسته بودند، کسانی که می خواستند اظهار ارادت کنند، می آمدند خدمت پیغمبر بیعت می کردند. یک روز یک مردی آمد پارچه ای روی صورتش افتاده بود و بیعت کرد. پیغمبر بیعت کردند به او گفتند الان تو دیگر مسلمانی، بعد پارچه اش را از صورتش برداشت دیدند وحش است. وحش بدون اینکه شناخته بشود آمد با پیغمبر بیعت کرد، حالا اگر یکی دیگر غیر از پیغمبر بود، همانوقت می گرفتند او را می کشتند. پیغمبر فرمودند که خلاصه زنگی کردی! حالا که مسلمانی، خونت بر مسلمانان حرام است ولی مسلمینی که در مدینه هستند که خبر ندارند. تو اگر بیرون از اینجا بروی، همینطور بدون اطلاع، مسلمین تو را ببینند، می کشند. بنابراین مواظب باش! محرمانه از اینجا برو ولی بخشیده شدی.

آیه ای هست که اگر مشرکین یا اینها به تو پناه آوردند قبول شان کن، نگه شان دار تا اقلّاً سه، چهار تا آیه ی قرآن بشنوند و بعد هم آنها را به یک مقام امنی برسان برای اینکه همینطوری ول شان کنی ممکن است آنها را بکشند. دست شان را بگیر، مأموری همراه شان بده، به یک جای امن که رسیدند منزل خودشان، آنوقت ول شان کن. این گذشت است. البته ما کجا و پیروی پیغمبر کجا؟! اگر آنطوری بود که دیگر این حرف ها را نداشتیم.

منتها امیر و مدیر یک جامعه باید خوبی را خوبی پاسخ بدهد، بدی را بدی پاسخ بدهد چون مردم باید به امیر اعتماد داشته باشند یعنی کسی می تواند امیر باشد که مورد اعتماد مردم باشد. در آن صورت وقتی یک امیر گذشت کرد، مردم باید بدانند که امیر مؤمنین گذشت کرد.

ما همه گناهکاریم، پیغمبر و خدایش که از مثل وحشی گذشت می کنند، ان شاء الله ما گناهان مان آنطور نباشد، گناهان سبکی است، خدا از ما می بخشد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی،

صبح یکشنبه، ۱۳۹۴/۱/۱۶)

اینکه مثلاً می نویسند روز اول امامت امام زمان، این اصلاً خیلی غلط است، منطبق با تعلیمات شیعه، تعلیمات الهی نیست که بگوییم با رحلت و شهادت یک امامی، بعد از روز دیگر امام بعدی امامت می کند. یا امامت را مثل کار اداری فرض کنند که بعد از فوت او یک

روز تعطیل شده، دو مرتبه شروع می‌شود، نه! این وصل، این اتصال همیشه هست منتها بشر گاهی متوجّه این هست و عبادت می‌کند. در آن حالت هر کاری بکند، به هر لباسی عبادت کند، خداوند قبول می‌کند ولی غالباً فراموش می‌کنند و این زندگی دنیایی آنقدر گرفتارشان می‌کند که فراموش می‌کنند. همینطور آن روحی که در نوع انسان دمیده شده، خداوند فرمود: وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (سوره حجر، آیه ۲۹ / سوره ص، آیه ۷۲) روح خداوند هرگز قطع نمی‌شود. هرگز جدایی ندارد، قطع نمی‌شود، به ریسمان الهی تشبیه کردند، برای اینکه ریسمان به هم متصل است، هیچ جا رخنه ندارد. زندگی انسان هم همینطور است و به همین جهت هم فرموده‌اند که مردم یادی از گذشتگان شان نکنند برای اینکه به قول آن شعر می‌گوید:

گوسفندی بَرَد این گرگ مُزَوَّر (یعنی اجل) همه روز

گوسفندان دگر خیره در او می‌نگرند

هر روز یکی از ما انسان‌ها می‌رود. «یکی» یعنی یک عده‌ای، دیگران اصلاً توجّه نمی‌کنند. می‌دانند از لحاظ علمی می‌دانند که یک روزی هم نوبت خودشان است ولی اصلاً احساس نمی‌کنند که یک روزی باید بروند. بدین جهت، یادآوری از رفتگان که در بین بشر متداول شده، البته در هر جا به یک نوع یادآوری می‌شود ولی به هر جهت خواسته‌اند که بشر یادش نرود که پدرش که او را به وجود آورده و پدر او و پدر او، همه، یکی یکی آمدند و رفتند.

ان شاء الله ما، در این دورانی که نوبت ما شده و آمدیم، به ما توفیق بدهد که توشه‌ی سفر خوبی برای خودمان فراهم کنیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، ۱۳۹۴/۱/۲۸، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فریاضات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاضات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستور العمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.